

● روزنامه ورزشی صبح ایران ● صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی ● مدیرمسئول: محمد حسن روزی طلب ● جانشین مدیر مسئول و سردبیر: علی جوادی ● تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۰۴۱۱۳ - ۸۸۵۰۴۱۱۳ ● نما پسر: ۸۴۷۱۱۷۳ ● چاپ: ایران نیسان ● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۰۱۳۵۵ - ۸۸۵۴۶۵۸۳ ● انتشارات: ۵ و ۵۸۸۹۲ ● امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۵۲۱۹۵۴ ● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۴۰۸ ● صندوق پستی: ۵۳۸۸ - ۱۵۸۷۵ ● شماره پیامک کنیذ: ۳۵۰۰۴۵۱۲۱۳ ● ما را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید: @iranvarzeshi

inn.ir | newspaper.inn.ir | 2411200-07579-0003

یکشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۲ ● سال بیست و هفتم ● شماره ۷۳۳۳

برشی از یک کتاب

من زلاتان هستم – بخش ۴



زلاتان ایبراهیموویچ هفته پیش بازنشسته شد. به همین مناسبت نگاهی داریم به برخی از قسمت‌های جالب کتاب زندگینامه او به نام «من زلاتان هستم». این قسمت به گل او به ایتالیا در یورو ۲۰۰۴ اشاره دارد:

مسابقه‌ای که همه منتظرش بودن، بازی ما برابر ایتالیا، در پورتو بود. این موضوع هم که ایتالیایی‌ها برای انتقام گرفتن اومده بودن، بر هیچکس پوشیده نبود. از بازی اول جلوی دانمارک، ایتالیا تونست فقط به مساوی بگیره. هیچکس باخت ایتالیا به فرانسه، تو دوره قبلی رو هم فراموش نکرده بود. با بازیکن‌هایی مثل نستا، کانوارو، زامبروتا، بوفون، کریستین ویری و البته فرانچسکو توتی، تیم خوبی داشتن. اون‌ها جلوی دانمارک، بدون حضور توتی مساوی گرفته بودن اما خب من از ملاقات با اون‌ها، استرس داشتم! تا اون لحظه، این مهم‌ترین مسابقه من بود. بابام هم برای تماشای این بازی توی ورزشگاه بود. از همون لحظه اول متوجه شدم که ایتالیایی‌ها به من احترام می‌ذارن. اون‌ها روی سانتر پانوچی و ضربه بازیکن جوانی که به جای توتی وارد ترکیب شده بود، ۱-۰ جلو بودن. ایتالیایی‌ها خیلی سخت پرس می‌کردن، اما کم کم ما هم تونستیم به بازی برگردیم و توی نیمه دوم، شانس‌های خوبی داشتیم. اما با این وجود، باز هم بازی در اختیار ایتالیایی‌ها بود. معمولاً میگن که ایتالیا دفاع دیوانه‌واری داره. اما در حالی که فقط ۵ دقیقه به پایان بازی مونده بود، ما صاحب یه ضربه کرنر از جناح چپ شدیم. کیم کالستروم ضربه رو زد و وضعیت توی محوطه جریمه، خیلی شلوغ شد. ضربه اول رو مارکوس آلیک زد، بعد اولف ملبرگ روی توپ تأثیر گذاشت. توپ هنوز روی هوا بود و من سمتش دویدم. تو همون لحظه دیدم که بوفون به سمت توپ دویده و کریستین ویری رو خط دروازه است، منم به هوا پریدم و ضربه زدم. ضربه‌ای که زدم، میشه گفت که شبیه کونگ‌فو بود. تو عکس‌ها، پاشنه من تو یه سطح با شونه من قرار داشت. توپ، با یه قوس بی‌نقص از روی سر کریستین ویری رد شد. ویری سعی کرد توپ رو با سرش بزنه، اما نتونست. اگه دقت کنیدی، فضای چندان بی‌سن ویری و تیرک دروازه وجود نداشت و توپ، دقیقاً از اونجا رد شد. من این گل رو زدم، اون هم جلوی ایتالیا! یورو، ضربه پشت پا اون هم ۵ دقیقه مونده به پایان بازی! دیوونه شدم! می‌دویدم! همه تیم دنبال من می‌دویدن.

جدول سودوکو ۲۴۷

۳	۱	۴		۶	۲
					۸
۴	۲	۵	۳		
۴		۳		۵	۸
۹		۴	۱	۸	۳
	۸		۷	۲	۱

جدول سودوکو ۲۴۶

۳	۱	۴		۶	۲
					۸
۴	۲	۵	۳		
۴		۳		۵	۸
۹		۴	۱	۸	۳

جدول سودوکو ۲۴۵

۳	۱	۴		۶	۲
					۸
۴	۲	۵	۳		
۴		۳		۵	۸
۹		۴	۱	۸	۳

۳	۱	۴		۶	۲
					۸
۴	۲	۵	۳		
۴		۳		۵	۸
۹		۴	۱	۸	۳

۳	۱	۴		۶	۲
					۸
۴	۲	۵	۳		
۴		۳		۵	۸
۹		۴	۱	۸	۳

گزارش روز



نگاهی به رشد فوتبال زنان در دنیا

«هر چه که تو از دست دادی من به دست آوردم»

سینا فراهانی

خبرنگار

در فوتبال اسپانیا جایگاه کلمات بواسطه روح اساطیری و افسانه‌ای که در کالبد زندگی آنها با پیشینه تاریخی شان وجود دارد، عمدتاً جایگاهی ویژه و هیجان‌انگیز است. «ریمونتادا» یا بازگشت، کلمه یا بهتر بگوییم عبارتی است که از جایگاه ویژه‌ای در زبان اسپانیایی مخصوصاً فوتبال این کشور برخوردار است که معنایی فراتر از «بازگشت از جایی و مکانی» را در خود جای داده است. نمونه فوتبالی آن را می‌توان در بازی بارسلونا و پاری سن ژرمن جست‌وجو کرد که با رسانی‌ها در حالی که بازی رفت را در پاریس ۴-۰ واگذار کرده بودند، در بازی برگشت در نیوکمپ با شش گل حریف ثروتمند خود را در هم کوبیدند و معنای ویژه‌ای به «ریمونتادا» بخشیدند.

نمونه قبل‌تر آن به بازی رئال مادرید با اتلتیکو در فینال لیگ قهرمانان ۲۰۱۴-۲۰۱۳ برمی‌گشت که لوس بلانکوس (لقب رئال مادرید) تا دقیقه ۹۴ با یک گل از روخی بلانکوس (لقب اتلتیکومادرید) عقب بود اما به یک باره راموس با پرپوز دیدنی خود زمینه‌بازگشت و رثال مادرید به بازی رافراهم کرد و پایه‌گذار دوران جدیدی در مادرید شد.

اما شاید یکی از مهم‌ترین بازگشت‌های تاریخ فوتبال اسپانیا

در شهر آیندهوون هلند رخ داد. جایی که تیم فوتبال زنان بارسلونا در فینال لیگ قهرمانان اروپا در حالی با نتیجه سه بر دو در بازی به برتری رسید که در نیمه اول با دو گل از حریف آلمانی خود یعنی تیم ولفسبورگ عقب بود اما به یگباره در نیمه دوم یک بازگشت فوق‌العاده داشت تا روند بی‌نظیر این سال‌های خود را با دومین قهرمانی در سه سال اخیر ادامه دهد.

یک سال بعد از آخرین قهرمانی تیم مردان بارسلونا در اروپا بود که شاهد اوج‌گیری تیم زنان بارسلونا بودیم که در پنج فصل اخیر چهار بار در فینال لیگ قهرمانان اروپا حاضر بوده است.

درست در روزهایی که فوتبال اروپا داشت فراموش می‌کرد تیمی به‌نام بارسلونا(در بخش مردن) شکست در مراحل نیمه‌نهایی چمپیونزلیگ را ناکامی بزرگ تلقی می‌کرد، پرواز زانانی را شاهد بودیم که امروز بواسطه حضور در هفت نیمه‌نهایی متوالی پرچم‌دار حیثیت بلوگرانا شده‌اند.

عادت به حذف‌های متوالی تیم مردان بارسلونا و از همه مهم‌تر تنها یک صعود در سه سال اخیر از مرحله گروهی و یک حذف در یک هشتم در حالی که تیم زنان بارسلونا در این سه سال دو بار نامش روی جام نقره‌ای رنگ اروپا نقش بسته حکایت از قصه‌ای تازه در دنیای فوتبال دارد. امروز تیم زنان

بارسلونا هفت نیمه‌نهایی پایایی اروپا را تجربه کرده و قهرمان بلامنازع این سال‌های اسپانیاست در حالی که مردان کاتالان فقط یک نیمه‌نهایی اروپا در این هفت سال دیده‌اند و به سختی امسال قهرمان لالیگا شدند تا بیشتر از مردان نام زنان بارسلونا باشد که طنین‌انداز می‌شود.

درست است که از لحاظ تجاری و بنیه سرمایه‌گذاری‌های تبلیغاتی و حق پخش و هزار داستان درآمدزایی فوتبال زنان و مردان هیچ شباهتی به هم ندارند و انصافاً سطح کیفی متفاوتی هم ارائه می‌دهند اما اختلاف فاحش بین گران‌ترین انتقال تاریخ فوتبال زنان و تاریخ فوتبال مردان هم جای بسی تفکر دارد.

جالب است بدانیم گران‌ترین انتقال تاریخ مردان کوچ نیمار از بارسلون به پی‌اس‌جی بود که برای مالک قطری ۲۲۲ میلیون یورو آب خورد اما در عین ناباوری این آیتم در فوتبال زنان متعلق به آسیا روسو ستاره انگلیسی است که انتقالش از برایتون به منچستر یونایتد تنها ۵۰۰ هزار یورو هزینه داشته است.

زنانی که در این سال‌ها رکوردهای زیادی را در زمینه حضور تماشاگر در استادیوم‌ها چاب‌جا کرده‌اند و نشان داده‌اند هم تماشاگر دارند هم قانردند هیچان ضاعفی را به ورزشگاه‌ها ارائه کنند.

اتفاق خوبی که در این سال‌ها کم دارد به یک الزام برای تیم‌های فوتبال دنیا تبدیل می‌شود تشکیل قطعی

تیم فوتبال زنان در باشگاه‌هاست و حتی در فوتبال خودمان هم ای‌اف اسی به مرور دارد وجود تیم فوتبال زنان را تبدیل به یک قانون برای دریافت مجوز حرفه‌ای می‌کند.

از انقلاب در فوتبال زنان همین بس که نام‌هایی چون زهره کودایی، زهرا قنبری، افسانه چترنور، زهرا خواجوی و خیلی‌های دیگر بیشتر شنیده می‌شود و این یعنی پیشرفت فوتبال زنان دارد رنگ ویژه‌تری به خود می‌گیرد.

درخشش این روزهای زنان بارسلونا با نام‌هایی مثل الکسیا پوتیاس دارنده دو توپ طلای جهان، کیرا والش، آیتانا بونماتی، کلودیا پینا، لوسی برنز و تمامی ستاره‌های آن دارد جای خالی هنرنمایی‌های زاوی و اینیستا و مسی را پر می‌کند و این یعنی زنان دارند پرچم فوتبال خود را بیش از پیش به اهتزاز در می‌آورند.

امید که با ورود زنان به ورزشگاه‌ها زمینه دیده شدن هرچه بیشتر دختران فوتبالیست‌مان دریچه‌های افتخار را به روی ساق‌های توانمندشان باز کند. انگار مثل سریال سیمپسون‌ها که پیش‌بینی کننده خوبی بود باید حرف پایانی سریال تدلاسو را که نوید تشکیل تیم زنان ریچموند را داد را هم یک پیش‌بینی فوتبالی تلقی کنیم تا دنیا یادش بماند زنان می‌توانند روزی شانه به شانه مردان با فوتبالشان از مردم دنیا دلبری کنند.

NBA

یک گام

تا قهرمانی دنور

در ادامه رقابت‌های فینال لیگ NBA، دیروز دنور ناگدس در بازی چهارم هم میامی هیت راشکست داد. این دو تیم از سری ۷ بازی، تا اینجا ی کار چهار بار مقابل هم قرار گرفته‌اند که تیم دنور سه بار پیروز میدان شده است اما میامی یک بار. اگر دنور در ایستگاه پنجم هم پیروز شود قهرمان لیگ NBA خواهد شد.

سبک بازی چهارم تیم دنور مقابل هیت همانند دیدار سوم بود. مایک مالون همیشه با تانکتیک‌ها و پلن‌های خاص وارد مسابقه می‌شود. او با شناختی که از قابلیت‌های جسمانی تک تک بازیکنان دارد در حین مسابقه برای هر کدام وظایف مهم در بعد استراتژی تیمی طراحی می‌کند. این وظایف یعنی اجرای صحیح تانکتیک‌های یک مربی در داخل زمین و از اجرای مهارت‌های انفرادی هم مهمتر است. حتی بازیکنان ذخیره هم از مسن‌ترین تا جوان‌ترین باید این تانکتیک‌ها را به نحوه احسن اجرا کنند. البته نیمکت تیم دنور هم دارای دو فوق ستاره همانند جف گرین و ده آندره جردن است که حتی از دستش خارج می‌شود آنها در زمانی که تعویض می‌شوند وارد زمین می‌شوند دوباره ریتیم بازی را به دست می‌گیرند و با عمکرد مفیدشان، تیم حسابی کامبک می‌زند.

درخشش آرون گوردون هم در بازی چهارم، دنور را پیش انداخت. یرش سارجنت عالی که این بازیکن دارد همواره یکی از شاخصه‌های برتری انفرادی او با مدافعان است. دفاع و ریباند او قوی است و در اکثر مواقع تیم دنور را از شکست نجات داده است.

هر چند نیکولا یوکیچ فوق ستاره تیم دنور ۹ دقیقه مانده بود به پایان کوارتر چهارم بازی چهارم ۵ خطا شد و عامل اصلی هم بی‌احتیاطی خودش و خطاهای الکی بود که نزدیک بود کار دست دنور بدهد اما مایک مالون او را تعویض کرد و بیش از ۵ دقیقه یوکیچ بیرون زمین بود ولی وقتی یوکیچ بیرون بود اختلاف ۱۰ امتیاز بود و زمانی که وارد زمین شد اختلاف امتیاز ۹ شد. در واقع میامی مطلقاً هیچ استفاده‌ای از نوید جوکر نبرد. و دنور هم بدون نیکولا هیچ ضعفی نشان نداد! تیم دنور در اکثر بازی‌ها بخصوص بازی‌های مرحله پلی‌آف، در کوارتر اول و دوم پایایی با تیم‌های حریف امتیاز کسب می‌کند ولی در کوارتر سوم از حریف پیش می‌افتد و در کوارتر چهارم از اختلاف امتیازی که در کوارتر سوم کسب کرده است دفاع می‌کند و همین عامل باعث برتری نسبت به حریفان می‌شود. دنور در دیدار چهارم میامی را با نتیجه ۱۰۸-۹۵ شکست داد.

ناکام روز

مودریچ در دو راهی عربستان یا تمدید؟

در یک اتفاق بزرگ، رامون آلوارز روزنامه‌نگار مارکاتل گزارش‌اعلام کرد لوکا مودریچ، اسطوره رئال مادرید، پس از دریافت پیشنهادی پرسود از عربستان سعودی، ممکن است در تابستان پیش رو این باشگاه را ترک کند. رئال مادرید در حال حاضر کریم بنزما را به پیشنهادهای نجومی سعودی بخته است و مهاجم اوایل هفته به جمع مشکی و زرد پوشان الاتحاد پیوست. اکنون، مودریچ نیز با پیشنهاد هنگفتی از خاور میانه روبه‌رو شده و ممکن است که راه شماره ۹ تیمش را دنبال کند. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که پیشنهاد سعودی برای انتقال مودریچ ۳۷ ساله به‌خاورمیانه، دو ساله و ارزش آن ۱۱۰ میلیون یورو خواهد بود. باید دید که مودریچ رد پای هم تیمی‌های سابق، کریستیانو رونالدو و بنزما را دنبال می‌کند و در نهایت به عربستان می‌رسد یا تصمیم می‌گیرد یک سال دیگر در رئال مادرید ادامه دهد.

یادداشت

در نقد ریکاردو ساپینتو، سرمربی سابق استقلال

مسافری از قرون وسطی!

علی بابازاده

خبرنگار

زخمی تازه بر تن استقلال؛ آبی‌ها که تازه ماجرای استراماچونی را به‌دست فراموشی سپرده بودند و به دنبال روزنه‌ای از نور در دل سیاهی بودند، دوباره در دام ساپینتو گرفتار شدند و از چاله آندره، به چاه ریکاردو افتاده‌اند. ساپینتو تیم خوبی ساخته بود و شاگردان او از نظر فنی و سبک بازی نمره قابل قبولی گرفتند. استقلال چشم نواز و اروپایی بازی نمی‌کرد اما همه می‌دانند که حضورش در جمع مدعیان از روی شایستگی بوده و همین توانایی‌های آبی‌پوشان پایتخت بود که لبیک را تا هفته‌های پایانی داغ و جذاب نگه داشت.

در این بین رسیدن به فینال جام حذفی نیز می‌توانست با قهرمانی شیرین و برد برابر پرسپولیس همراه باشد ولی خودزنی مربی پرتغالی کار را برای بیکره بی‌جان آبی‌ها زد!

مشکل از جایی شروع شد که استقلال از دوره «من به اینها نمی‌بازم» فرهاد مجیدی به دوره «اینها نمی‌گذارند ببریم» ساپینتو رسید و تفاوت دقیقاً در نوع همین نگرش است؛ استقلال روزی لیگ و جام حذفی را از دست داد که زور بهانه‌ها به زور انتقادات اخلاقی از آقای سرمربی چربید و همه پشت تئوری توطئه پنهان شدند. آبی‌ها با ۵۲ گل زده در لیگ برتر و عنوان

